

کتابخانه ملی ایران  
موسسه فلسفه و اخلاق  
قم

استاد علامه طباطبائی  
قم - حوزه علمی

## قرآن و آزادی

### آزادی مشروط

آزادی يك علاقه ذاتی است که در هیچ زمانی از انسان دست برداشته است تا آنجا که بشر عصر حجر هم از آن بهره‌مند بوده است... اراده، انسان را بسوی خواسته‌های خود می‌کشانند و او را برای تحقق بخشیدن به آرمانها و علاقه‌های خویش و بر طرف کردن موانع خواسته‌های خود تقویت می‌نماید.

با توجه به دو نکته‌ی فوق این مطلب به میان می‌آید که انسان موجودی است اجتماعی و ناگزیر است با هم‌نوع خود زندگی کند و در حل مشکلات خویش با آنان همکاری نماید.

زندگی اجتماعی، نیاز به برنامه، قوانین و خط سیری است که

زندگی جامعه را منظم گرداند و این نوع برنامه‌ها و قوانین گرچه آزادی فرد را محدود می‌گرداند ولی برای فرار از اختلاف، خونریزی و حفظ موجودیت و نشاط جامعه ناگزیر مورد نیاز است.

بدین ترتیب آزادی مطلق در هیچ يك از ملت‌ها و جمعیت‌ها وجود ندارد و هر کجا بحث از آزادی می‌شود، آزادی نسبی است نه آزادی بدون قید و شرط.

### آزادی از نظر اسلام و تمدن جدید

مطلب قابل توجهی که باید به آن دقت فراوان شود، فرق میان آزادی از نظر اسلام و آزادی از نظر تمدن جدید است، زیرا تمدن جدید اساس خود را به خوشگذرانی انسان و بهره برداری از لذت‌های دنیوی تا سرحد امکان قرار داده است. یعنی هر فردی از نظر تمدن جدید در هر کاری که مایل است و به آن رغبت دارد آزاد است تا آنجا که رفتارش با قوانین اجتماعی‌اش ناسازگار نباشد. بدین ترتیب قیود اخلاقی و مقررات دینی هیچ ارزشی در آزادی از نظر تمدن جدید ندارد.

ما نیازی به ارزیابی آزادی از نظر تمدن جدید نداریم، زیرا تجربه‌ی عملی اثبات کرده است که تمدن جدید و آزادی‌اش، روح انسانیت و فضائل عالی را از انسان ریشه کن کرده و او را در ردیف چهار پایان در آورده است و از نردبان تکامل که طبیعت وجود برای وی در نهان دارد پیازش داشته است. (هرگاه تمدن امروز از نظر اخلاق هم تکامل یافته بود بطور حتم از نظر تکنیک به مراحل عالی‌تری رسیده

بود بجای اینکه نیروهای فکری را صرف صنایع نظامی می کرد صرف  
صنایع رفاهی می کرد و . . .)

در برابر تمدن جدید مقررات سعادتبخش اسلام است که اول  
بر اساس یکتا پرستی سپس بر بیان تقویت اراده‌ی انسانی و تأکید روی  
اخلاقی استوار شده است .

در نتیجه اسلام فرد و اجتماع را در دایره‌ی مخصوصی قرار داده  
که قوانین و برنامه‌های خاصی بروی حکومت می کند . بدین ترتیب  
آزادی از نظر اسلام با آزادی از نظر تمدن جدید اختلاف فراوان دارد اما  
اگر بدقت در قیودی که اسلام آورده و بشر را محدود ساخته بنگریم  
درک می کنیم همین قیود عین آزادی است زیرا اسلام بشر را از «پرستش  
غیر خدا» آزاد کرده و این همان آزادی وسیعی است که زنجیرهای  
گرانباری را که انسان امروز در سایه‌ی آزادی اروپا بر دست و پای  
خود زده در هم می شکند .

آزادی اسلام فرد را از قیدهای خوشگذرانی و خیالات حیوانی  
آزاد می کند و او را حاکم بر لذت‌ها و انحرافات می گرداند . آزادی  
اسلام ملت‌ها را از استعمار و بندگی آزاد می سازد و تبعیضاتی را که در  
میان ملت‌ها نفوذ دارد ریشه کن می گرداند . آزادی اسلام حق ضعیف را  
از نیرومند می ستاند و فریاد می زند : « پیامبر ما ! به مسیحیان بگو :  
بیائید به يك کلمه که ما و شما به آن عقیده داریم توجه کنیم : غیر خدا  
را عبادت نکنیم و برای او هیچ شریکی قابل نشویم یکدیگر را ذلیل

نسازیم فقط خدا را پرستش کنیم . (۱)

درعین اینکه اسلام دعوت به یکتا پرستی و فرار از بندگی بشر می کند فرزند انسان را برای بهره برداری از نعمت های خدا که در اختیار وی قرار داده تحریک می کند به این شرط که به سرحد افراط و تفریط نرسد .

قرآن صریحا می گوید : «تمام آنچه روی زمین است برای شما خلق شده است . (۲)

و جای دیگر می گوید : «خدا آنچه را در آسمانها و زمین است و همه از اوست مسخر شما گردانیده است . (۳)

### آزادی فکر یا آزادی اعتقاد ؟

مطلبی که ناگزیر باید مورد بحث قرار گیرد این است که اسلام آزادی عقیده را بطور مطلق تجویز نمی کند . علت عنوان این بحث این است که عده ای با استدلال به آیه «لا اکراه فی الدین . . . (۴) اکراهی در دین نیست) نتیجه گرفته اند که اسلام به پیروان خود تا آنجا آزادی عقیده داده که اگر به شرک عقیده پیدا کنند و بابت و طاغوت را پرستش کنند مانعی ندارد ، در صورتیکه چنین موضوعی هیچگاه جزء اسلام نیست .

---

۱- آل عمران آیه ۶۵ «تَالُوا إِلَيَّ كَلِمَةً سَوَاءٌ . . .»

۲- سوره بقره آیه ۲۹

۳- سورة الجاثیه آیه ۱۲

۴- سوره بقره آیه ۲۵۳

زیرا برنامه‌ی اسلام که بر اساس یکتا پرستی و الغاء شرک بنا شده چگونه ممکن است يك نوع آزادی عقیده‌ای را بپذیرد که مخالف این اساس است؟! تناقضی واضح است و صریح .

همانطوریکه قوانین رائج مملکت‌ها يك نوع آزادی که مخالف قوانین مملکت باشد به افراد نمی‌دهند اسلام هم آنچه را مخالف اساس قانونگزاری اش باشد امضاء نمی‌کند .

آیه‌ی «لا اکراه فی الدین» تأکید می‌کند که اسلام در اثر قرآن و روایات آشکار گردیده و معرفی شده است و نیازی نیست که دیگران را برای پذیرفتن اسلام تحت فشار و اکراه قرار دهیم .

کلمه‌ی «قد تبین الرشد من الغی» (راه تکامل از انحراف نشان داده شده است .) موضوع عدم اکراه در عقیده را که در قسمت اول آیه است توضیح می‌دهد .

مطلب دیگری را که باید به آن توجه داشت این است که جمله «لا اکراه فی الدین» يك حقیقت قانونی است که به يك حقیقت تکوینی بستگی دارد ، زیرا اکراه و اجبار فقط در اعمال و رفتار ظاهری است و نمی‌تواند در قلب ، فکر و اعتقاد اثر کند ، بنابراین آیه ، توسل بی‌زور برای هدایت افراد را بسوی مذهب منع می‌کند چون نه از نظر قانونگزاری صحیح است و نه از نظر طسعت .

سپس در آیه به تقلید کور کورانه در عقیده توجه داده و آن را منع می‌کند و مردم را به پیروی از منطق و عقل در آنچه به آن عقیده و ایمان دارند تحریر می‌کند . بدین ترتیب فردی که از روی اکراه و

اجبار از عقیده‌ی معینی از معتقدین به آن عقیده تقلید می‌کند و کارهای او از روی عقیده و ایمان نیست از نظر اسلام محکوم است .  
از آنچه نقل شد به یک نتیجه رسیدیم و آن اینکه اجبار نبودن در دین به این معنی نیست که افراد در انتخاب عقیده (هر چند با اساس عقیده‌ی آنان مخالف باشد) آزاد هستند (۱) .

## درخواست عفو

مقصوری بمأمون گفت: اگر مرا بکشی نظیر

تو بسیار است و اگر مرا عفو کنی بی نظیر

خواهی بود .

---

۱- در این مقاله آنچه میان دو پیرانتر قرار گرفته از مترجم است . اصل مقاله از روی مجله ((الفکر الاسلامی)) شماره ۲۹ - ۳۰ رمضان و شوال ۱۳۹۶ ترجمه گردید .